

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

جایگاه حاکمیت سیاسی کشور در مجموعه موضوعگیری‌های بین‌المللی

دیدارهایی بمنظور تمرکز توجه به کابل
موقف دسته‌بندی‌های سیاسی

سه‌مگیری در مذاکرات همراه با بسته‌های پیشنهادی
موضوعگیری متحدین غربی در مورد مذاکرات دوحه
آمادگی‌های حاکمیت سیاسی کشور
بیم‌ها و امیدها

زمان آن فرا رسیده که از خودمان بپرسیم معنای واقعی صلح چیست، صلح یک کبوتر یا یک رنگین‌کمان نیست، گرچه خیلی دوست‌داشتنی هستند. صلح پایدار با عدالت و برابری، صلح پایدار باین معناست که بیشتر مردمان روی زمین بمنظور زندگی شرافتمندانه، دسترسی کافی به منابع داشته باشند، جایی که مردم دسترسی کافی بآموزش و پرورش و بهداشت دارند. بطوریکه آنها بتوانند در آزادی و بشکلی که می‌خواهند زندگی نمایند و از هراس و ترس رها بوده و بامنیت انسانی دست یابند.

قبل از همه، در زمینه مورد بحث کنونی باید خاطر نشان گردد که موقعیت و وضعیت ژئوپولیتیک منحصر بفرد کشور ما در چگونگی تشکیل و پیدایش معضلات کنونی از اهمیت متبازری برخوردار می‌باشد. علاوه بر وقایع موجود در حلقه‌های دیپلوما تیک جهانی و منطقوی درباره دورنمای کشور ما بمثابة یک مجموعه، حتا در داخل ایالات متحده، بحث‌های داغی در مورد، مطرح بحث می‌باشد. چنین استنباط می‌گردد که اصل اعلام خروج نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما توسط عده‌ای از نخبگان نظامی تصمیم مهمی تلقی می‌گردد. نباید فراموش نمود که بگونه حداقل، بخشی از نظامیان در ایالات متحده با اصل فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان، مخالفت‌شان را ابراز نمودند.

در همین حال، عملکرد بعدی اداره دونالد ترامپ به تصمیم و مفکوره یادشده متکی می‌باشد. پس از مذاکرات بیشتر و یاکمتر موفق و یا ناموفق، مسأله شرکت و سه‌مگیری "طالب"ها در انتخابات، ادغام مجدد آنها در جامعه، سه‌مگیری در قدرت سیاسی و شامل شدن در مجموعه واقعیت سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان نیز مورد بحث و مذاقه قرار داده شد.

در این عرصه مسیرهای دوگانه‌ای چون ایالات متحده - "طالب"ها و افغان - افغان مطرح بحث قرار گرفته و مکمل همدیگر پنداشته شدند. با این حال، یکی از جمله آنها نیز بدون سه‌مگیری و شرکت نماینده‌های واقعی همه افغان‌ها و نماینده‌های دولت افغانستان به موفقیتی نایل نگردیده و از دست‌آوردی برخوردار نخواهند گردید.

متذکر باید گردید که بهیچوجه فرصت مذاکره و ملاقات رودر رو و مستقیم نیروهای عمده درگیری‌های کنونی کشور بمنظور بحث در مورد آینده کشور را نباید از دست داد. بحث‌های اینچنینی موارد جدیدی محسوب نمی‌گردند، اما چنین فرصت‌هایی

با سطح موجوده، قبل براین، هیچگاهی اصلن میسر نبود. در اعلامیه مشترکی که در ختم مذاکرات توسط طرف های شرکت کننده بنشر رسید، در آن دفاع از اهمیت نهادهای موجود، دفاع از حقوق شهروندان و در نظر داشت و رعایت حقوق و وجایب زنان و مردان کشور یادآوری بعمل آمده و در دفاع، حفظ و پاسداری از دستاوردهای سال های اخیر کشور تأکید بعمل آمد. اما نبا ید فراموش نمود که در نشست بعدی در اواسط ماه روان در قزرمیان سیاستمداران افغان، بزرگان قبایل، نماینده های زنان، جوانان و "طالب" ها، معضلات جدی و عمده ای مورد بحث و گفتگو قرار داده شود.

بخاطر باید داشت که می توان از موجودیت سناریوهای سه گانه در مورد یادآور شد: انجام مذاکرات مستقیم و رو در روی دولت با نماینده های "طالب" ها، این سناریوی نخست؛ دولت معتقد است که اصل سیستم، قبل براین نیز وجود داشته و بگونه قانونی به تداوم اقتدار خواهد پرداخت که "طالب" ها باید آنرا بپذیرند. دولت، قبلن با حزب اسلامی بر رهبری حکمتیار نیز توافق صلح راعقد نموده است. اگرچه مقیاس ها در مورد تحریک "طالب" ها و "حزب اسلامی" را نباید مورد محاسبه قرار داد، اما درجه و اندازه اثربخشی و تاثیرگذاری آنها را در محلات باید مورد سنجش و محاسبه قرار داد. "حزب اسلامی"، قبلن با به اشتراک گذاشتن بسیاری از یاورهای طالبانی، علیه دولت افغانستان جنگید. در شرایط کنونی و وضعیت موجود، دولت همچنان به یک فرآیند میانجیگری مشابه با طالبانی که در کابل رحل اقامت افکنده اند، متوسل گردیده و بر آنها حساب باز نموده که دستیابی به نتایجی در مورد، غیر واقعی بنظر می رسد. از جانب دیگر، تاکنون هم "طالب" ها آرزومندی چندانی بانجام مذاکرات مستقیم با حاکمیت سیاسی کشور را نداشته و دولت کنونی را غیر قانونی می پندارد. استدلال آنها بیشتر بر این بنیاد استوار می باشد که بیشتر از پنجاه درصد از اراضی کشور را در اختیار دارند که بر این بنیاد بمثابة مرکز پذیرفته شده و سایر شرکت کننده ها باید به آنها بپیوندند. همچنین ادعای می ورزند که با مجامع بین المللی و ایالات متحده در مورد صلح کشور به بحث و گفتگوهایی پرداخته و مشوق های سیاسی نیز برای آنها در نظر گرفته شده است. "طالب" ها همچنان اظهار می دارند که ذیگنال های ایالات متحده در مورد امکان خروج نظامیان آن کشور از افغانستان، روحیه و مورال آنها را بیش از هر زمان دیگر تقویه نموده است. هر چند "طالب" ها که بگونه قطعی در پی تحکیم قدرت نبوده، بلکه بگونه آرمانی چنین می پندارند که بمنظور تشکیل دولت جدید برخاسته از متن حل و فصل سیاسی فضایی کشور، دیگران باید با آنها ملحق گردند، این دومین سناریو؛

سناریوی سوم هم که بیشتر زمینه تحقق عملی آن ممکن بنظر می رسد، مبتنی بر این امر می باشد که دولت و رهبران سیاسی کشور و حتا اپوزیسیون اشرف غنی در ترکیب جمع متحدی در امر مذاکره و گفت و شنود های مستقیم با "طالب" ها شامل گردند که می توان آنرا بمثابة نقشه راه صلح پذیرفت. در جمع یاد شده نه تنها دولت افغانستان، بلکه جامعه مدنی، جوانان و مهمتر از همه زنان نیز باید سهم گیرند.

نباید فراموش نمود که برای اکثریت قریب بتمام افغان ها، نبود و عدم حضور و عدم موجودیت قوت های خارجی در اراضی کشورشان مانند جشنی تلقی گردیده و بمثابة فتح یک دنیای شایسته محسوب می گردد. اهداف دوگانه قبلن یاد شده، بگونه جدی باهم پیوند و ارتباط دارند که از قوه بفعل مبدل گردیدن آنها در آینده نه چندان بعیدی متصور خواهد بود که آرزومندی سال های متمادی افغان ها می باشد. خروج قوت های نظامی ایالات متحده و انجام مذاکرات مستقیم آن کشور با "طالب" ها شتاب قابل توجهی حاصل نموده است. در عین زمان میان سیاسیون کشور و "طالب" ها نیز مذاکرات و گفت و شنودهای بین الافغانی آغاز گردید.

با طراحی ستراتیژیست های امریکایی، با اعمال وضعیت یاد شده، بخودی خود از تشدد تا اندازه ای کاسته شده و ثبات در کشور را در پی خواهد داشت. در عین حال دستیابی به نیروهای نظامی بیشتر نیز از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد. اما "طالب" ها، خروج قوت های نظامی خارجی از اراضی افغانستان را از جمله شرایط مهم و عمده امر مصلحه در کشور می پندارند.

نماینده فوق العاده دستگاه دیپلوماسی ایالات متحده در مورد مسایل مربوط به کشور ما، هفته پسین با اشرف غنی رئیس جمهور و عده ای از سیاسیون کشور ملاقات نمود. دیدار متذکره، بمثابة مرحله مهم و تعیین کننده بمنظور آماده سازی نخستین دور مذاکرات بین الافغانی در دوحه محسوب می گردد که قرار است بتاريخ ۱۹ ماه اپریل سال روان در آن شهر تدویر یابد. بگمان اغلب دست اندرکاران مسایل مربوط به کشور ما، یکی از جمله عمده ترین مسایل نشست یاد شده در اطراف این معضله می چرخد که آیا ایالات متحده موفق خواهد گردید تا "طالب" ها را متقاعد به صرف نظر از اعتراضات شان در مورد شرکت و سهمگیری نماینده های حکومت و وحدت ملی در مذاکرات صلح نماید؟

اما نباید فراموش نمود که "طالب" ها گزینه های متعددی از نوع نشست های قبلی دوحه و مسکو را مطرح بحث قرار می دهند که بدون حضور و موجودیت نماینده های حاکمیت سیاسی کشور تدویر پذیرفت. بدین ترتیب، کاملن واضح و مبرهن است

که نشست ها و مذاکرات بعدی در مورد مسایل مربوط به کشورما، بگونه مجموعی، انعکاس دهنده نوع موضعگیری ها و مو قف بازیکنان عمده جهانی یعنی روسیه و ایالات متحده بوده و بآنها وابسته می باشد.

چنانچه قبلن یادآوری بعمل آمد که بتاريخ ۱۹ ماه روان، دورجدید مذاکرات میان ایالات متحده- "طالب" ها و با شرکت جمعی از سیاسیون کشورآغازمی گردد. طرف های شرکت کننده سعی می ورزند تا بگونه واضحی به تشخیص مسایل وموضوعاتی مبادرت ورزند که در مراحل مختلف گفتگوهای مسکو نشان داده شده است. بعقیده بسیاری ها، تمایل ایالات متحده به "بستن صفحه افغانستان" سبب گردید تا کشور یادشده مواضعش را با موقف روسیه درکشورما هماهنگ نماید.

پس زمینه دورجدید مذاکرات میان فرستاده دستگاه دیپلوماسی ایالات متحده ونماینده های دفتر "طالب" ها با سلسله رویداد هایی در مورد حل وفصل قضایای کشورما همراه بود. نماینده ایالات متحده درآستانه پرواز جانب دوحه، به انقره وارد شده و با ضمیر کابلوف، فرستاده روسیه در مورد افغانستان، ملاقات و تبادل نظر نمود. دیپلومات ها چنین اظهار نظر می نمایند که طرف های یادشده در باره سلسله مسایلی در مورد آینده افغانستان به تفاهم مشترک نایل گردیدند. قبل براین، بمنظور حرکت بجلو، در این راستا یعنی در مورد هیأت مذاکره کننده باید مشورت هایی صورت گیرد. امکاناتی در مورد رفع تعزیرات ورفع ممانعت سفر نماینده های "طالب" ها باید مورد مطالعه وبررسی قرار داده شود تا آنها بتوانند در مذاکرات پیشرو بمنظور ایجاد و تحکیم صلح درکشورشرکت ورزند. طرف نمایندگی ایالات متحده همچنان اظهارداشت که تضمین های معینی درعدم بکارگیری تروریست های بین المللی از قلمرو اراضی افغانستان علیه کشور یا کشورهای دیگر نیز حاصل گردیده ودر زمینه های یادشده به تفاهماتی نایل گردیدیم.

اما نباید فراموش خاطر ما گردد که که با پا گذاشتن قوت های نظامی خارجی برهبری ایالات متحده وناتوبه سرزمین وارا ضی کشورما، جنگ وزد وخوردها شدت حاصل نموده و زمینه های ویرانی کشوروکشتارافغان ها پویژه بخاک وخون کشیدن افراد ملکی بیدفاع کشور، بیش از پیش مساعد و مهیا گردیده، مراکز تعلیمی و تحصیلی، بیمارستان ها، محلات ملکی وعام المنفعه و... تخریب و ویران گردیده وبا خاک یکسان گردید.

با وجود چنین وضعیتی وانجام تلاش های موجود طرف های درگیری درکشور، آیا نظامیان امریکایی با اصل خروج قوت های نظامی کشورشان از افغانستان راضی می باشند؟

جنرال جوزف وتل، یکی از جمله نظامیان مسوول شرق میانه وآسیای مرکزی اظهارداشت که در شرایط و وضعیت کنونی، افغانستان هنوزهم آماده خروج قوت های نظامی خارجی از اراضی آن کشور نمی باشد. نامبرده همچنان اظهار داشت که "ما با خروج نظامیان خارجی از اراضی افغانستان مواجه نمی باشیم، چه در مورد خروج، بگونه حداقل هم، دستورالعملی موجود نمی باشد. این، قطعن به موقعیت منحصر بفرود محلی هر منطقه وهمچنان به شرایط و چگونگی فرآیند سیاسی درکشور بستگی دارد." نامبرده علاوه نموده افزود که تاکنون هیچگونه دستور وهدایتی در مورد ترک ویا واگذاری محلات دریافت نموده ایم. چنین حالتی به بهبود شرایط و وضعیت سیاسی اصلن کمک نمی نماید.

مدتی قبل، جنرال نامبرده در کمیته دفاعی مجلس سنای ایالات متحده اظهارداشت که حفظ حضور نظامی در افغانستان ضرور رتی محسوب می گردد که نباید بآن بی توجه بود. چه، امر مقابله ومبارزه جدی وفعال علیه گروه های تروریستی مانند "دولت اسلامی" و "القاعده" از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. جنرال نامبرده همچنین اظهار داشت که قوت های مسلح افغانستان به تنهایی توان مقابله با خطرات موجود وآینده را نداشته واز ظرفیت لازم مبارزه مستقلانه علیه تهدیدات رو بافزا یش گروه های تروریستی، برخوردار نمی باشند. بگفته جنرال نامبرده، رهبری ایالات متحده چنین می پندارد که شرایط و وضعیت کنونی بمنظور خروج قسمی و یا کلی نیروهای رزمی آن کشور مناسب نمی باشد، وی همچنان اضافه نموده اظهار داشت که با وجود آنها و بر بنیاد واقعیت های ذکر شده، مخالف دساتیر در مورد نمی باشد.

بخاطر داریم که در آستانه مذاکرات مستقیم امریکایی ها با "طالب" ها در قطر، از جانب امریکایی ها اعلام گردید که ایالات متحده درصدد انجام مذاکره وگفتگو با گروه متذکره می باشد. از جمله، عمده ترین ومهمترین شرایط "طالب" ها یکی هم خرو ج قوت های نظامی ایالات متحده از افغانستان می باشد. جنرال نامبرده اضافه نمود که قوماندانی نظامی می تواند چنین اظهار نظر نماید که اجرای عملی چنین خواستی درآینده های نزدیک هم مطرح نمی باشد.

اما در دهلیزهای دستگاه دیپلوماسی ایالات متحده سروصداها از اعلامیه هایی بگونه دیگری حاکی از این امر طنین انداز می باشد که گویا مطابق گزارش دستیار وزارت دفاع در امور امنیت بین المللی، مذاکره و گفتگو در امر مصالحه در افغانستان با شر کت و سهمگیری "طالب" ها، امکاناتی را فراهم نموده که قبل براین با چنین وضعیتی اصلن مواجه نگردیده ایم. در اواخر ماه جدی سال پار، مایک پمپئو، بگونه سفارشی، داده های مطبوعاتی دروسایل اطلاعات جمعی را مورد تأیید قرار داد که درجریا ن ملاقات و گفتگوی نماینده وزارت امور خارجه ایالات متحده با "طالب" ها، مسأله فراخواندن قوت های نظامی آن کشور از

افغانستان مورد بحث قرارداد شده و جدول خروج مرحله وار نیروهای یادشده نیز تهیه و تنظیم گردیده است. با این حال، اما مقامات ایالات متحده، اطلاعات فوق را رد نمودند.

در این میان، یکی از جمله مقامات بلند پایه وزارت دفاع ایالات متحده اظهار نمود که کشورش اصلن درصدد آن نمی باشد تا بگونه یکجانبه به تقلیل نظامیان در افغانستان مبادرت ورزد، بنابراین، درصدد آن می باشد تا مسأله فوق را با ناتو هماهنگ سازد.

بدین ترتیب، تناقض گویی و تضاد در داخل اداره امریکایی در مورد شکل مناسبات و روابط ایالات متحده با افغانستان موجود می باشد. جریان مذاکرات و گفتگوها، بگونه همیشگی و ابدی نمی باشد. زمانی باید خاتمه پذیرفته و امریکایی ها با این پرسش کلیدی مواجه خواهند گردید که "با افغانستان چه باید کرد؟". علاوه بر آن، "طالب"ها بگونه مستقیمی اعلام نموده اند که اگر مطابق تقسیم اوقات مرتبه، ایالات متحده در آینده به خروج قوت های نظامی اش از افغانستان ممارست بخرچ ندهد، آنها از تداوم شرکت در امر مذاکرات امتناع خواهند ورزید. بگونه کلی، درکنار موجودیت نفس مشکلات دیپلماتیک مذاکرات، در داخل ایالات متحده نیز در مورد متذکره، بحث ها وجدل های وسیعی را میان نخبگان آن کشور سبب گردید. این امر، واضح و مبرهن می باشد که برای پنتاگون، قوماندانی عالی نظامی، مجتمع های نظامی ایالات متحده، شرکت لا کهد مارتن، بوننگ، رایتون، نورد هورب گریومن و جنرال دینامیک، اصل ختم جنگ و انجام مأموریت در افغانستان، منفعتی در پی نخواهد داشت. اما آیا در واقعیت امر، قشر سیاسی و دیپلماتیک با مجتمع های نظامی و جنگی ایالات متحده مرتبط نبوده و بنوبه خویش بگونه کاملن متفاوتی می اندیشند؟

بربنیاد گفته ها و موارد قبلی، می توان چنین اظهار نظر نمود که خروج و فراخواندن قوت های نظامی ایالات متحده از سرز مین کشورما، واقعیتی محسوب نمی شود که در آینده های نزدیک از قوه بفعال مبدل گردد. بنظر می رسد که امریکایی ها بخش ویا بخش هایی از قوت های نظامی و حربی شان را در کشورما همچنان و بگونه همیشگی حفظ خواهند نمود. ممکن سخن از فراخواندن بخش های اساسی و عمده قوت های نظامی آن کشور از سرزمین و اراضی افغانستان مطرح بحث باشد.

بحث های داغی میان نخبگان ایالات متحده پیرامون مسایل گفته آمده براه افتاده است. همچنان پرسش هایی درمجامع بین المللی باین مضمون مطرح بحث می باشد که آیا ایالات متحده می تواند و قادر به ترک افغانستان می باشد، جای سوال دارد. در شرایط و وضعیت حاضر، موضوع مورد بحث در سراسر کشور، احتمال توافق میان ایالات متحده و "طالب"ها در مورد خروج قوت های نظامی ایالات متحده از سرزمین افغانستان می باشد.

در نهایت و بمنظور جمع بندی موارد گفته آمده باید اظهار داشت که هیچ طرفی، آنهمه مواردی را که آرزومند دستیابی بآنها می باشند، بگونه کلی، بدست نخواهند آورد. بنابراین، در جستجوی راه های نیل به حد وسط آرزومندی ها باید بود که این بخود ی خود، پایه و اساسی بمنظور گفتگوهای واقعی شمرده شده که در نتیجه، به حل و فصل سیاسی قضایای کنونی کشور منجر خواهد گردید. پروسه عملی فوق، به سایر افغان ها این فرصت را میسر می نماید تا در جبهه واحدی متحد شده و سپس با "طالب"ها به توافقاتی نیل گردند.

این یگانه راه خروج از بن بست کنونی محسوب می گردد. همچنان باید خاطر نشان گردد که ایالات متحده بدنبال رقابت با آنها نمی باشد. اما پرسش های متعددی مطرح می گردد که "طالب"ها بگونه منحصر بفردی آرزومندند تا پرسش ها و سوالات مطرح در مورد را با هموطنان افغان خویش بگونه مستقیم، مورد تحقیق و بررسی قرار داده و به نتایج ملموس و قابل قبولی نیل گردند.

چنین تصور می گردد که بمنظور موقعیت کنونی و موقف نظامی - سیاسی ایالات متحده، گفتگوهای بین الافغانی باید از قوه بفعال مبدل گردیده و مشروعیت لازم کسب نماید. اگر مذاکرات در ایالات متحده بدون توافق عملی در داخل افغانستان و سپس ممکن مذاکرات ایالات متحده و "طالب"ها با رکود مواجه گردیده و یا ممکن هم انجام گردد، قوت های نظامی خارجی و در رأس، نظامیان ایالات متحده از کشورما فرا خوانده شده و انتقال افغانستان بمتأبه یک مجموعه به "طالب"ها صورت عملی بخود گیرد.

نباید این واقعیت فراموش خاطر ما گردد که ملاقات و مذاکرات ایالات متحده با "طالب"ها ممکن بمتأبه اهرمی بمنظور دستیابی به موفقیت و گریز از شکست قطعی و انجام سازش در برخی از مسایل بشمول کاهش فشار بر مذاکرات بین الافغانی، بکار گرفته شود.

سیزدهم ماه اپریل سال ۲۰۱۹